

رساله پوئس رسول به فليمون

معرفی رساله

فليمون شخص ثروتمندی بود که توسط پوئس رسول به عیسی مسیح ایمان آورد و به مسیحی سرشناسی تبدیل شد. احتمالاً او عضو کلیسای کولسیه و خانه او محل تجمع ایمانداران بود.

یکی از غلامان فليمون به نام أنیسیموس از خانه او فرار کرده و به روم رفته بود. در روم او به نحوی با پوئس رسول که در آن زمان در زندان بود آشنا شده و به عیسی مسیح ایمان آورده بود. پوئس او را دوباره نزد اربابش فليمون می فرستد. در این نامه پوئس از فليمون می خواهد که أنیسیموس را ببخشد و او را مثل یک برادر مسیحی خود بپذیرد.

فهرست موضوعها:

مقدمه: ۱ - ۳

تعریف از فليمون: ۴ - ۷

درخواست برای أنیسیموس: ۸ - ۲۲

خاتمه: ۲۳ - ۲۵

^۱ از طرف پولس که به خاطر عیسی مسیح زندانی است و تیموتاوس برادر ما به دوست و همکار ما فلیمون ^۲ و به کلیسایی که در خانه تو تشکیل می شود و به خواهر ما «اپفیه» و همکار ما «آرخیپس»، این رساله تقدیم می گردد. ^۳ از طرف پدر ما خدا و عیسی مسیح خداوند، فیض و سلامتی به شما باد.

محبت و ایمان فلیمون

^۴ هر وقت که دعا می کنم، نام تو را به زبان می آورم و پیوسته خدای خود را شکر می کنم، ^۵ چون از محبت تو و ایمانی که به عیسی خداوند و جمیع مقدسین داری آگاه هستم. ^۶ و دعای من این است که اتحاد ما با هم در ایمان باعث شود که دانش ما به همه برکاتی که در مسیح داریم افزوده شود. ^۷ ای برادر، محبت تو برای من خوشی بزرگ و دلگرمی بسیار پدید آورده است، زیرا دل های مقدسین به وسیله تو، نیرویی تازه گرفته است.

تقاضای پولس برای اونیسیموس

^۸ بنابراین اگرچه من در مسیح حق دارم که جسارت کرده ام که وظایف خود را انجام دهی، ^۹ اما به خاطر محبت، صلاح می دانم از تو درخواست کنم: من، پولس که سفیر مسیح عیسی و در حال حاضر به خاطر او زندانی هستم، ^{۱۰} از جانب فرزند خود «اونیسیموس»، که در زمان حبس خود پدر روحانی او شدم، از تو تقاضائی دارم. ^{۱۱} او زمانی برای تو مفید نبود، ولی اکنون هم برای تو و هم برای من مفید است.

^{۱۲} اکنون که او را پیش تو روانه می کنم، مثل این است که قلب خود را برای تو می فرستم. ^{۱۳} خوشحال می شدم که او را پیش خود نگاه دارم تا در این مدتی که به خاطر انجیل زندانی هستم، او به جای تو مرا خدمت کند. ^{۱۴} اما بهتر دانستم که بدون موافقت تو کاری نکنم تا نیکویی تو نه از روی مجبورت، بلکه داوطلبانه باشد.

^{۱۵} شاید علت جدایی موقت او از تو این بود که او را برای همیشه بازیابی! ^{۱۶} و البته نه

مثل یک غلام، بلکه بالاتر از آن یعنی به عنوان یک برادر عزیز. او مخصوصاً برای من عزیز است و چقدر بیشتر باید برای تو به عنوان یک انسان و یک برادر مسیحی عزیز باشد. ^{۱۷} پس اگر مرا دوست واقعی خود می‌دانی، همان‌طوری که مرا می‌پذیرفتی او را بپذیر. ^{۱۸} و اگر به تو بدی کرده است یا چیزی به تو قرضدار است آن را به حساب من بگذار. ^{۱۹} من این را با دست خودم می‌نویسم: «من، پولس آن را به تو پس خواهم داد.» نمی‌گویم که تو حتی جان خود را هم به من مدیون هستی. ^{۲۰} ای برادر، چون در خداوند متحد هستیم و می‌خواهم از تو بهره‌ای ببینم، به عنوان یک برادر مسیحی به قلب من نیروی تازه‌ای ببخش.

^{۲۱} من با اعتماد به اطاعت تو و با دانستن اینکه آنچه من می‌گویم و حتی بیشتر از آن را هم انجام خواهی داد، این را به تو می‌نویسم. ^{۲۲} در ضمن، اطاقی برای من آماده کن، زیرا امیدوارم که خدا دعاهای شما را مستجاب کرده، مرا به شما برگرداند.

خاتمه

^{۲۳} «ایفراس» که به خاطر مسیح عیسی با من در زندان است به تو سلام می‌رساند ^{۲۴} و همچنین همکاران من «مرقس»، «آرسترخُس»، «دیماس» و «لوقا» به تو سلام می‌رسانند. ^{۲۵} فیض عیسی مسیح خداوند با روح شما باد.